

لیبی

جنگ ادامه نظم نوین جهانی



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلهگرام: <https://t.me/intvoice>

بار دیگر وجدان دمکراتها نتوانست کشتار مردم بیگناه لیبی را تحمل کند. بار دیگر قلب های رؤوف دمکراتها از شدت جنایات قذافی بدرد آمد. بار دیگر وحشیگری قذافی حس همبستگی دمکراتها را بر انگیخت. بار دیگر دمکراتها عزم جزم کرده اند تا از مردم لیبی حفاظت کنند. بار دیگر دمکراتها میلیونها دلار صرف «جنگ بشر دوستانه» شان می کنند و اسم رمز جنگ شان نیز «بشر دوستی» است. چه نیرنگ و دروغی!

دروغ و ریاکاری دمکراتها از بشر دوستی شان زمانی آشکار می شود که هیچ بخشی از طبقه کارگر در این کشورها از شر حملات بورژوازی در امان نیست. بورژوازی غرب سخت ترین ریاضت های اقتصادی را به طبقه کارگر اعمال می کند.

دو روئی دمکراتها و میزان بشر دوستی شان زمانی عریان می شود که عربستان سعودی یکی از هم پیمانان آمریکا و غرب در منطقه به سرکوب معترضان در بحرین می پردازد و دمکراتها اعتراضی ندارند. سرکوب اعتراضات در دیگر کشورها مثل اردن و یمن برایشان مهم نیست و بشر دوستی شان زیر سوال نمی رود. دمکراتها تنها نظاره گر قتل عام مردم در ساحل عاج نیستند بلکه دمکراتها و بخصوص فرانسه در این جنایت و تداوم آن دخیل هستند که نتیجه آن کشته شدن هزاران نفر و آواره شدن بیش از یک میلیون نفر بوده است. سوالی که مطرح می شود این است که چرا وجدان دمکراتها در این مورد ناراحت نمی شود؟ چرا لانه دزدان و کرکسان (سازمان ملل) خفه می شود؟

بورژوازی غرب مدافع "انقلاب" لیبی نیز شده است و از دولت موقت حمایت می کند. چیزی که دولت موقت نامیده می شود، جمعی از جنایتکاران، از کابینه سابق قذافی است. وزیر دادگستری سابق، وزیر کشور سابق، وزیر امور خارجه قذافی «موسی کوسا» و دیگر جانیان از اعضای چنین دولت موقتی هستند. «موسی کوسا» ۱۴ سال رئیس سرویس های اطلاعاتی لیبی بوده است، دست او کمتر از قذافی به خون آلوده نیست.

شورشیان همچنین «شورای ملی لیبی» را نیز اعلام کرده اند. شورشیان در ۱۵ فروردین ۱۳۹۰ اولین محموله نفتی شامل یک میلیون بشکه نفت خام را از طریق بندر «طَبْرُق» ارسال کردند. قطر اظهار کرده است که مایل به بازاریابی برای نفت لیبی است، چرا که شورای انقلاب در بنغازی را بعنوان دولت قانونی به رسمیت می شناسد. زد و بند شورشیان با قطر بیانگر این است که شورشیان منافعی را دنبال می کنند که فقط طبقه حاکم را عوض کند و سرمایه ملی را با روتین های سرمایه جهانی وفق دهد تا روند انباشت سرمایه را تأمین کند.

این جنگ، جنگی ارتجاعی است. جنگی است بین جناحهای متفاوت بورژوازی در راستای اهداف و منافع کثیف خودشان. این جنگ باعث شده هزاران نفر از ساکنان شهرها از ترس و وحشت جنگ، به حومه شهرها فرار کنند. کمبود مواد غذایی و آب آشامیدنی تبدیل به مسئله حاد شده است. این جنگ شیرازه جامعه را از هم می پاشد و شرایط لازم را برای جنبش مستقل طبقه کارگر از بین می برد. لذا این جنگ، جنگی بر علیه طبقه کارگر نیز هست. این جنگ مانع از آن می شود که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی مهر خودش را بر حوادث بزند. هزاران کارگر "خارجی" بخاطر

جنگ از لیبی فرار کرده اند ، کارگران بخاطر جنگ عملا در محیط های کار نیستند. تشدید اختلافات قومی ، عشیره ای و مذهبی اتحاد طبقاتی کارگران را تحت الشعاع خود قرار داده است. این جنگ اعتراضات را از مسیر مستقل طبقاتی خودش منحرف کرد. مانع آن شد تا اعتراضات در راستای مبارزه طبقاتی تکامل پیدا کند. مانع آن شد تا طبقه کارگر نهادهای مستقل خود کمیته های محلات ، کارخانه ، اعتصاب ، مبارزه و غیره را ایجاد کند.

به میمنت این جنگ ، قذافی احساسات ناسیونالیستی مردم را تحریک می کند و بر لزوم جنگ با بیگانه گان متجاوزگر تاکید می کند. میهن پرستی بر لزوم اعتراض به زندگی نکبت بار تقدم پیدا می کند. قذافی تلاش دارد تا وانمود کند که پرچمدار واقعی پان عربیسم و «جمال عبدالناصر» دوره کنونی است.

زمانی لیبی رابطه نزدیکی با دولتهای فرانسه ، ایتالیا ، آلمان و حتی آمریکا داشت و دموکراتها نیازی نمی دیدند تا وجدان خود را ناراحت کنند. لیبی بین کشورهای افریقائی و خاورمیانه قرار گرفته و نقش ارتباطی بین آنها دارد و از سوی دیگر لیبی نفتی مرغوب ، با کیفیت بالا و با هزینه استخراج بسیار پائین را دارد.

این جنگ بیانگر رقابت بین گانگسترهای اروپائی ، بویژه فرانسه ، بریتانیا و آمریکا بر سر میزان اعمال نفوذ در لیبی بعد از قذافی است. در حالی که روسیه و چین که روابط تجاری و اقتصادی گسترده ای با لیبی داشته اند عملا نتوانسته اند نقش جدی در این رقابت امپریالیستی ایفا کنند. چه گانگسترهای بزرگ نظیر اوباما، کامرون، سارکوزی و چه گانگسترهای کوچک مثل ایران و عربستان همگی بدنبال منافع کثیف امپریالیستی خود هستند. همگی این کرکسها برای دریدن لاشه رقابت می کنند ، این جنگ ادامه نظم نوین جهانی بعد از فروپاشی جهان دو قطبی امپریالیستی است.

سرمایه داری منشأ تمامی نابسامانی ها و بدبختی ها در سراسر این جهان هستی است. جابجائی طبقه حاکم به زندگی برده وار ما خاتمه نخواهد داد. دموکراسی بورژوائی روی دیگر همان سکه دیکتاتوری بورژوائی است ، بربریت سرمایه داری. منافع ما در مبارزه طبقاتی است ، شبیح مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بیش از هر چیزی وحشت دارد. چرا که در روند تکاملی خود منجر به انهدام انقلابی دولت سرمایه داری خواهد شد. برای پایان دادن به بربریت و وحشیگری سرمایه داری آلترناتیو انترناسیونالیستها بیش از هر زمان دیگری معتبر است :

"انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!"

فیروز اکبری
۲۵ فروردین ۱۳۹۰